روایت کودکان کولبر در کوهستان برفی

زنگ کولبری بعد از تعطیلی مدرسه

مریم طالشی
گزارش نویس

«اول بارش بود که می خواست بار ببرد. ۱۳ سال داشت. نمی‌توانست بار را بلند کند. کمکش کردم. تمام راه حواسم بهش بود. سه ساعت بیشتر در راه ماندم که به آن بچه کمک کنم تا بار را برساند. جثه‌اش کوچک بود، گناه داشت. الان هم که هوا می‌دانید طرف‌های ما چطور است؛ برف و بوران است. برای کولبر اما فرق نمی‌کند، باید برود.»

این‌ها را عطا می‌گوید. کولبر است. ۴۲ ساله و دو، سه سالی می‌شود که از محل زندگی‌اش در روستای «درزیان» مریوان، راه مرز را می‌گیرد و همراه دیگر کولبران گسیل می‌شود برای روزی ۲۰۰ هزار تومان مزد کولبری. او حالا راوی قصه کودکان کولبر است. می‌گوید اطلاعات شان را جمع می‌کنم. باهاشان حرف می‌زنم و ازشان عکس و فیلم می‌گیرم که داشته باشم. از وقتی آن دو تا برادر، آزاد و فرهاد ۱۷ و ۱۴ ساله موقع کولبری در کوهستان برفی یخ زدند و جان دادند، به صرافت این کار افتاده: «من که خبرنگار نیستم ولی می‌خواهم همه چیز را از این بچه‌ها داشته باشم که خدای نکرده اگر باز اتفاقی افتاد همه بدانند که اینها که بودند و برای چه کولبری می‌کردند.»

عطا فیلم‌ها را یکی یکی برایم می‌فرستد. خودش در نقش خبرنگار می‌رود و سؤال می‌پرسد. در فیلم اول، پسرکی با موهای روشن که آن را یک وری شانه زده، بار به دوش روی برف‌ها نیم‌خیز نشسته و دست‌ها را به زانو قلاب کرده و خجولانه به دوربین نگاه می‌کند. شال نه چندان ضخیم را دور گردنش پیچانده و آفتاب بی‌رمق زمستان یک طرف صورتش را روشن کرده است.

اسمت چیست؟

- علی.

درس می‌خوانی؟

- نه.

برای چی کولبری می‌کنی؟

- برای خرجی.

به بار روی دوشش اشاره می‌کند. زندگی و درس و کار برای علی توی همین بسته سنگین گونی‌پیچ شده، خلاصه شده. ۱۵ ساله است.

نفر بعدی آریان است، ۱۴ ساله. کلاه مشکی بافتنی را تا روی ابرو کشیده. وقت استراحت است و اینجور وقت‌ها کولبرها همان‌طور بار به دوش، چند دقیقه‌ای گوشه‌ای پیدا می‌کنند و می‌نشینند تا نفس تازه کنند؛ مثل آریان که روی تخته سنگی جا پیدا کرده و همان‌طور که دست‌های توی دستکش را به هم می‌مالد، کشکی مختصر به گردن می‌دهد و به نظر می‌رسد این را از دیگران یاد گرفته، گرچه باری که روی دوشش خم شده، اجازه حرکت چندانی نمی‌دهد. بطری آبی را توی درز گونی بارش فرو کرده، انگار که کوهنوردی باشد که آب را توی جیب کوله‌پشتی‌اش گذاشته باشد. اما اینجا در کوهستان برف گرفته، هیچ‌کس نه برای تفریح آمده و نه اصلاً فرصتی دارد برای این جور فکرها.

کلاس چندمی؟

- سوم راهنمایی.

الان مدرسه نداشتی؟

- پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها و روزهای تعطیل می‌آیم برای کار، برای خرج تحصیل.

آریان می‌گوید پنجشنبه امتحان داشته و امتحانش را داده و آمده. شاگرد زرنگی است و درس خواندن را دوست دارد و نمی‌خواهد هیچ‌جوره درسش را رها کند. می‌گوید بچه‌های دیگری هم هستند که برای خرج مدرسه‌شان کولبری می‌کنند و اگر کار نکنند، درس هم نمی‌توانند بخوانند. در واقع هم کمک خرج خانواده‌شان هستند هم خرج تحصیل خودشان را درمی‌آورند.

محمد ۱۳ ساله، بچه بزرگ خانواده است. پدرش پارسال فوت کرده و باید خرج خانه را بدهد. مدرسه را رها کرده اما خیال دارد خودش درسش را بخواند. برادر ۱۱ ساله‌اش از سال دیگر می‌آید برای کار تا شکم سه بچه دیگر که در خانه‌اند، سیر شود. جثه‌اش توی عکس آنقدر کوچک است که تصور حمل بار به آن وزن برای بچه به آن لاغری ممکن نیست. از کولبرها شنیده‌ام که خیلی‌ها زیر بار، کمرشان شکسته یا سنگ کوب کرده‌اند: «بچه‌ها معمولاً از روستاهای اطراف سنندج می‌آیند. بعضی‌هایشان توی اورامان خانه می‌گیرند و می‌روند مرز برای کولبری.»

این را عطا می‌گوید که نام فامیلش دادگستر است و حالا انگار مأموریت خودش می‌داند که راوی قصه کودکان کولبر باشد: «من که کاری از دستم برنمی‌آید جز اینکه اگر دیدم جایی گیر کرده‌اند، کمک شان کنم. نگذارم توی سرما بمانند. با آنها حرف می‌زنم و می‌بینم حرف‌هایشان شبیه هم است. همه‌شان از نداری توی این سن سراغ کار می‌روند. ما که خودمان سال‌ها کار دیگر می‌کردیم و الان به کولبری روی آورده‌ایم، اوضاع مان این است، وای به حال این بچه‌ها که از این سن شروع می‌کنند.»

> متأسفانه تعداد کودکانی که به کولبری روی می‌آورند، زیاد است و معمولاً از همان سن ۱۳ سالگی شروع به کار می‌کنند. کولبری کار در شأن انسان نیست و اعتقاد داریم که کار انسان نیست چه برسد به اینکه کودکان با جثه ضعیف‌تر این کار را بکنند. جسم‌شان آسیب می‌بیند و مشکلاتی پیدا می‌کنند که بزرگسالی‌شان را هم تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بچه‌هایی بودند که از کوه پرت شدند و جان‌شان را از دست دادند

ایران

قبل از اینکه کولبری کنی چه کار می‌کردی؟ این را من از عطا می‌پرسم و او جواب می‌دهد: «طراحی چهره می‌کردم، کار هنری، اما دیگر کسی حوصله ندارد دو سه ساعت بایستد چهره‌اش را بکشم. این برنامه‌های توی گوشی‌های موبایل آمده و کار همه را راحت کرده. دیگر کسی سراغ ما نمی‌آید.» از عطا که به کولبر یکدست معروف است، مصاحبه هم گرفته‌اند و می‌گوید توی فیلم مستند هم ازش استفاده کرده‌اند و در شبکه کردستان هم پخش شده.

من از کولبران دیگر این جمله را زیاد شنیده‌ام که همه می‌آیند و از ما گزارش و فیلم و عکس می‌گیرند و می‌روند و جایزه می‌گیرند و بعد هم فراموش می‌شویم. عطا چنین چیزی نمی‌گوید اما می‌گوید که کسی به فکرشان نیست و اگر کار باشد، جان‌شان را کف دست شان نمی‌گیرند تا بروند کولبری. بعد از مرگ آن دو برادر کولبر، توجه رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به قضیه کولبری خصوصاً کولبری کودکان جلب شد. تصویر پیکر بی‌جان فرهاد ۱۴ ساله با مشت‌های گره‌کرده که نشان از تلاش‌های واپسین او برای نجات خودش داشت، آنقدر تأثربرانگیز بود که هیچ کلامی یارای تسکین دردش نبود. قضیه اما مثل خیلی دیگر اتفاقات تلخ، کم کم فراموش شد. روایت فرهاد و آزاد که از ۶ سالگی در مزارع و گلخانه‌ها کار می‌کردند تا کمک خرج خانواده باشند، قصه تلخ و تکراری خیلی دیگر از بچه‌های کردستان است.

فؤاد حسنی ساوان، فعال مدنی در کردستان در این باره می‌گوید: «ما به خانه‌های زیادی که افراد آن درگیر کولبری هستند، سر زدیم و موارد زیادی را دیدیم. متأسفانه تعداد کودکانی که به کولبری روی می‌آورند، زیاد است و معمولاً از همان سن ۱۳ سالگی شروع به کار می‌کنند. کولبری کار در شأن انسان نیست و اعتقاد داریم که کار انسان نیست چه برسد به اینکه کودکان با جثه ضعیف‌تر این کار را بکنند. جسم‌شان آسیب می‌بیند و مشکلاتی پیدا می‌کنند که بزرگسالی‌شان را هم تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بچه‌هایی بودند که از کوه پرت شدند و جان‌شان را از دست دادند. خیلی از این بچه‌ها برای تأمین هزینه تحصیل شان کولبری می‌کنند و خیلی‌های دیگر هم درس را رها می‌کنند و کار می‌کنند چون سرپرست خانواده به حساب می‌آیند. ما برای سرکشی به خانه‌ای رفتیم؛ صبح زود، پسر نوجوان خانواده رفته بود کولبری که قبل از بیدار شدن بقیه، برگشت.»

فعالان مدنی و اجتماعی سعی می‌کنند در این زمینه کمک کنند اما چون با قضیه کولبری طوری برخورد می‌شود که به طرف انگ سیاسی زده می‌شود، معمولاً کاری از پیش نمی‌برند. حسنی این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «بیشتر کمک‌هایی که به کولبران می‌شود، از طرف مردم است. مثلاً کسانی که آسیب دیده‌اند، با کمک‌های مردمی هزینه درمان شان فراهم می‌شود تا در حدی به آنها کمک شود و غیر از این کمک دیگری نیست چون این کار را به رسمیت نمی‌شناسند در صورتی که تمام مشکل از بیکاری و بی‌درآمدی است و تا این معضل باقی باشد، کولبری هم هست.»

اسم‌ها در سرم رژه می‌روند، چهره‌ها هم. حالا کجای راه هستند؟ کوهستان برفی را در ذهنم می‌بینم که برای بچه‌ها آغوش گشوده؛ سرد و ساکت.

جدول سودوکو ۳۳۲۵

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

۸	۳					۷	۶	۲
۴	۷		۸				۹	
	۹			۱				
			۱	۲	۹	۳		
	۱		۴		۷		۲	
	۶	۵	۸	۹				
				۲			۱	
	۲	۹		۴			۵	۳
۳				۱	۴	۶		۸

متوسط

۵				۹			۶	۳
۱	۹	۳		۶				
					۸			۹
			۵	۶	۷			
	۵	۶	۱	۹				
۳	۶	۹						
۴				۷				
	۲	۱		۸	۹	۷	۹	۲
۶	۱			۲		۱	۴	۵

سخت

			۱					۵
			۸		۲	۱		۳
		۴					۸	
	۳					۵		
۶		۲	۵		۱	۹		۷
		۵					۱	
	۶					۸		
۷		۳	۶		۵			
۵					۹			

خیلی سخت

				۷				۶
	۸					۴		
۷		۵		۹			۱	
			۱	۵				۴
		۲		۸		۶		
۱				۳	۷			
	۷			۲		۸		۹
		۴					۳	
۲				۴				

حل جدول سودوکو شماره ۳۳۲۵

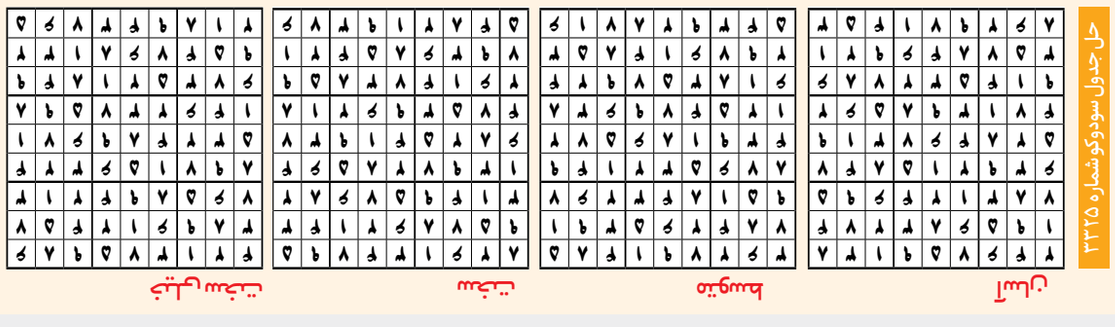

یک جدول با دو شرح ۷۲۸۱

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- آخرین- گلر ملی پوش «سپاهان» با نام «پیام»
۲- گردنبند- جای خواب یا استراحت- راضی
۳- غارت- گمگشته کنعان- بخشی از بدنه یک خودرو یا وسیله نقلیه دیگر
۴- خوردنی با بعضی غذاها- از مصالح سفید- ماده آلی ازت دار بدن- صدای خالی شدن بادتیوپ
۵- هدیه شاخه‌ای!- جوانمرگ- مرکز «سوریه»
۶- رنجور و مریض- سیاهی شهر از دور- مالامال
۷- روستایی از توابع شهرستان «جم» استان بوشهر- محاکمه- پایان زندگی نیست!
۸- حیله- حسد- ریختنی سر عروس و داماد
۹- از هول حلیم افتاد توی... - بانی ترکیه نوین- مبارز
۱۰- اشاره به دور- قلعه روی کوه- پارچه روی قابلمه
۱۱- شهر صنعتی استان «قزوین»- نام دخترانه- نشانه بیماری
۱۲- بعد از «یک»- گذرگاه سیل- قسمی حلوا- گریبان، یقه
۱۳- شهری در استان «فارس»- درجه نظامی قدیم- همزیستی و مماشات
۱۴- کاپیتان سابق «آرسنال»- ثابت و برقرار- چیزی که دیده بشود
۱۵- تنفس دشوار یا پرزحمت- کتاب «سهراب سپهری»

عمودی:

۱- کنایه از «باتمام قوا و توانایی»- سوی، طرف
۲- سنگی بهادار- شرع و کیش- عضوی در صورت
۳- ضرر- کنایه از «آدم کاهل در کار»- سریر
۴- پول کوبا- گاز تبلیغاتی!- گرد دهان از جانب بیرون- سرخنای
۵- افسار- از عناصر کمیاب- پول چشم بادامی‌ها
۶- تیرپیکاندار- قله- مسافربرشهری
۷- فراموشی- کوه شرق ترکیه- خشک
۸- همزاد- بیابان، صحرا- کریستال
۹- روستایی ییلاقی و زیبا در «علی آباد کتول»- رئیس- امید
۱۰- بهشت- پختگی و بلوغ- گوشت آذری
۱۱- صوت درد- گردهمایی- یکی از عناصر جدول تناوبی
۱۲- دارای ظاهر ناخوشایند- استوار ساختن- جمع جن- ناراحت
۱۳- مزدور و دورو- پایه و بنیان- توانایی
۱۴- امر به نوشتن- مرکز «چک»- منهدم کردن
۱۵- گردش کودکانه- بزرگ ترین مجموعه تفریحی/ تاریخی «نجف آباد»

جدول ویژه

افقی:

۱- اثر دیدنی «بهبهان»- مخترع اولین ماشین بخارپیستونی
۲- شهری در «سوئیس»- تهدید پوچ- آگاه کردن
۳- گیاه رنگرزی- جاودانگی- دیوار
۴- گل سرخ- یار «پیم»- قوه فهم- طمع
۵- بالا رفتن آب دریا- هواپیمای کارتونی- پسر دوم سام بن نوح
۶- مجبور شده- تصدیق بی ادبانه- صدای تمسخر
۷- سرپیچی- از آثار تاریخی و دیدنی «آذربایجان غربی»- داور سابق بوندسلیگا
۸- قراول- قوم ایرانی- ساخت و پاخت
۹- کاملا محرمانه- بزرگ جثه‌ترین عضو راسویان- نام «جوان» بازیگر خانم
۱۰- شیره خرما- قسمت کننده- پاره آتش
۱۱- مراد- پاکی- نویسنده «کلاغ»
۱۲- جسر- نوشته‌های اصلی- به معنی «بگو»- لون
۱۳- خورشت چرب- کاغذ فروش- تیم فعلی «میلاد سرلک»
۱۴- چریک- شهری باستانی در ۵۵ کیلومتری «حلب»- کمیلی
۱۵- اکوسیستم- سریالی باهنرنمایی «کیانوش گرامی»

عمودی:

۱- نوعی بیماری التهابی- شهری در «فرانسه»
۲- نبرد و مبارزه- شادمانی- حلوای سنتی «بوشهر»
۳- آسیب و آفت- پس و پشت- کربن خالص
۴- خروس مازندرانی- افسون- فرورفته- ماه میلادی
۵- پایان شب سیه!- چیزهای لازم- چاشنی گوجه‌ای
۶- دشمن آتش!- بهم ساییده شده- کشوری در «آفریقا»
۷- راهنما و آشنا- از تولیدات زنبور عسل- کمی و نقصان دروزن
۸- جودوی چینی- ایستگاه قطار- اثری از «پلوتوس»
۹- حمایت کردن- فکر- فلزلحیم کاری
۱۰- بخشش‌ها- شهری در استان «مرکزی»- رئیس جیمز باند
۱۱- هنوز بیگانه- دلیری- ظرف آزمایشگاهی
۱۲- عدد قلبی!- تاکسی در کشویی- لوله مدرج- استانی در «پاکستان»
۱۳- شاداب- واکسن- نویسنده «روزنه آبی»
۱۴- رقیب «سیر»- شهر محله تاریخی «جول آباد»- دریاچه مشبک رو به حیاط
۱۵- جوی آب- هافبک ژاپنی «تراکتور»

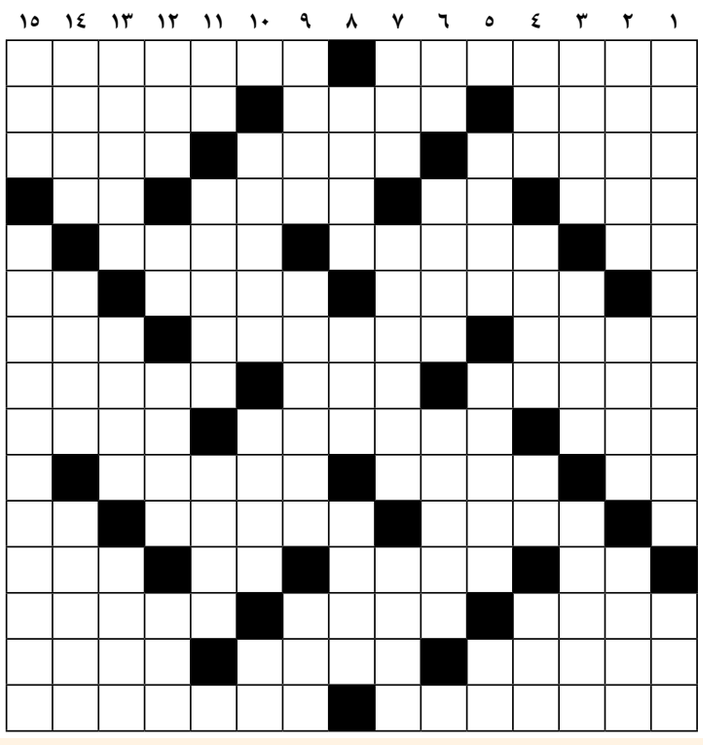

حل جدول عادی شماره ۷۲۸۰

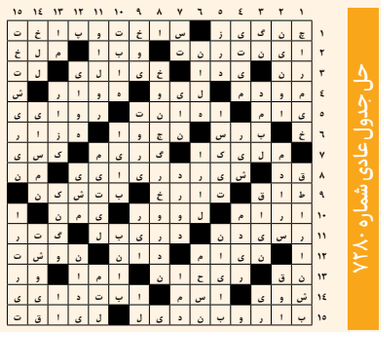
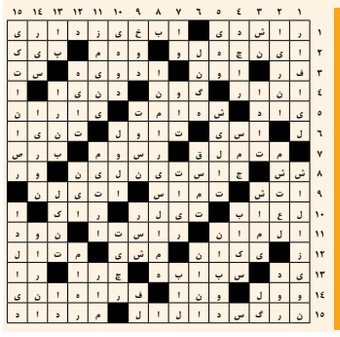
حل جدول ویژه شماره ۷۲۸۰